

Original Paper **Allegorical structures in Kalileh and Demeneh**

Saeedeh Saki Entezami^{1*}, Saeedeh Niazi²

Abstract

In this article with the title of allegorical structures in Kalileh and Demeneh, the researcher has listed the types of allegories and their various constructions, which have served as allegory, by examining the text of the book Kalileh and Demeneh. The researcher wants to know that simile, as one of the most important elements of imagery in this text, has a special efficiency in creating an allegory? And in the structure of the parables of Kalileh and Dameneh stories, has it created a division? This research was done with the aim of highlighting and specifying the use of allegory in the book of Kalileh and Demeneh, and its importance is that allegory has a special place in the text of the book of Kalileh and Demeneh, which has been less important compared to other forms of imagination and literary elements. Visualizing and creating language arts that lead to creating unique sentences and creating special relationships between words is one of these features. In this research, the researcher found various constructions of parables and allegorical stories in this text. Four types of allegorical structures can be found in the book of Kalileh and demneh . Doing this research with this point of view is unprecedented. After checking and taking slips from the first-hand sources and coding the slips, the researcher analyzed the data. This research was done in a descriptive and analytical way.

Key words: Allegory, allegory, allegorical story, Kalileh and Demeneh

1-Assistant Professor of Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Saeedh.entezami@yahoo.com

2-Assistant Professor of Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Mailbox.niazi@yahoo.com

Please cite this article as (APA): Saki Entezami, Saeedeh, Niazi, Saeedeh. (2024). Allegorical structures in Kalileh and Demeneh. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(60), 55-75.

 Creative Commons: CC BY-SA 4.0		
Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 60/ Summer 2024		
Receive Date: 21-03-2024	Accept Date: 19-06-2024	First Publish Date: 15-07-2024

مقاله پژوهشی ساختارهای تمثیلی و انواع آن در کلیله و دمنه

سعیده ساکی انتظامی^{۱*}، سعیده نیازی^۲

چکیده

در این مقاله با عنوان ساختارهای تمثیلی در کلیله و دمنه، به تبیین این موضوع با محوریت نقش سازنده ی تشبیه در ساختار روایی حکایتهای تمثیلی و متن کلیله و دمنه پرداخته می‌شود. محقق می‌خواهد بداند که تشبیه به عنوان یکی از مهمترین عناصر صورخیال در این متن در ساخت تمثیل کارآیی ویژه دارد؟ و در ساختار تمثیل‌های حکایت‌های کلیله و دمنه تقسیم بندی پدید آورده است؟ استفاده از تمثیل، به عنوان ویژگی سبکی این کتاب شمرده می‌شود. محقق با بررسی متن کتاب کلیله و دمنه انواع تمثیل و ساخت‌های گوناگون آن، که در خدمت تمثیل بوده‌اند را برشمرده است. این تحقیق با هدف برجسته سازی و مشخص کردن کاربرد تمثیل در کتاب کلیله و دمنه انجام شد و اهمیت آن در این است که تمثیل جایگاه ویژه‌ای در متن کتاب کلیله و دمنه دارد که در مقایسه با سایر صور خیال و عناصر ادبی کمتر مورد توجه بوده است. تصویر سازی و ایجاد هنرهای زبانی که به خلق جملات بی مانند و ایجاد روابط خاص میان واژه‌ها می‌انجامد از این ویژگی هاست. در این پژوهش محقق دریافت ساخت‌های گوناگون از تمثیل و حکایت تمثیلی در این متن به چشم می‌خورد. چهار نوع ساختار تمثیلی در کتاب کلیله و دمنه می‌توان یافت. انجام این پژوهش با این دیدگاه بی‌سابقه است. پس از بررسی و فیش برداری از منابع دست اول و کد گذاری فیش‌ها پژوهشگر به تحلیل داده‌ها اقدام خواهد کرد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: تشبیه تمثیل، تمثیل، حکایت تمثیلی. کلیله و دمنه.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. Saeedeh.entezami@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. Mailbox.niazi@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: ساکی انتظامی، سعیده، نیازی، سعیده. (۱۴۰۳). ساختارهای تمثیلی و انواع آن در کلیله و دمنه. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. ۱۶(۶۰)، ۵۵-۷۵.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت / تابستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۵۵-۷۵.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

مقدمه

تمثیل یکی از روش‌های بیان در ادبیات فارسی است که به کمک تشبیه و تحلیل عناصر زبان به بیان یک مفهوم یا احساس انتزاعی می‌پردازند. تمثیل یکی از ابزارهای اصلی خلق تصویر زبانی و ایجاد متن هنری است. با استفاده از تمثیل نویسنده می‌تواند تفاوت و شباهت بین دو موضوع را نشان دهد یا احساسات، ایده‌ها و مفاهیم را به صورت زیبا و شفاهی توصیف کند. تمثیل یکی از روش‌های تصویرسازی و مجسم کردن موضوع است و مخاطب را به تخیل وامی‌دارد. حکایت‌های تمثیلی که در کلیله و دمنه به کار رفته‌اند و حیوانات نقش انسان‌ها را دارند در این نوع حکایات، قهرمان حکایت ممثل یا مشبه به افرادی است که شرایط قهرمان را دارند. نوع دیگری از حکایات تمثیلی به کار رفته در کلیله و دمنه مانند جملاتی موجز و کوتاه هستند که قهرمان آنان تمثیل از افرادی است که همان شرایط را دارند و گاهی با استفاده از استعاره قهرمان حکایت مشبه به و ممثل است و شخصی که مشبه محذوف یا ممثل له به شمار می‌رود دچار حالی است همانند قهرمان حکایت. تشبیه برای درک بهتر از واقعیت کمک می‌کند یعنی در تمثیل مشبه معقول با کمک مشبه به محسوس بهتر فهمیده می‌شود و استعاره برای ایجاد معنایی جدید به کار می‌رود. یعنی مشبه محذوف است و مشبه به، به خلق معنایی نو می‌انجامد. در برخی دیگر از حکایات تمثیلی، در حکم جمله ایی موجز هستند که در آن به قیاس می‌پردازد و سپس به یک تساوی می‌رسد که در این صورت کل بخش اول مشبه و کل بخش دوم مشبه به محسوب می‌شود. در این حالت نیز مشبه محذوف است و مشبه به در جمله استعاری باعث خلق معنایی جدید می‌شود. همچنین برای درک واقعیت، از تشبیه معقول به محسوس مرکب نیز بهره برده است که گاه در قالب اضافه تشبیهی هستند. داستان‌های تمثیلی، به دلیل برخی ویژگی‌های متنی، مخاطب را به دخالت در آفرینش لایه معنایی و رای معنای برآمده از نشانه‌های زبانی و می‌دارند. و این خود همان تخیل است. مفاهیم متفاوتی به وسیله‌ی عناصر داستان ساخته می‌شود که به یاری تخیل موفق به درک تأویل مفهوم برآمده از داستان تمثیلی می‌گردیم. این عناصر داستانی به وسیله‌ی فنون بلاغی به کار رفته در داستان در هم پیچیده شده‌اند؛ لذا ذهن مخاطب جهت درک مفهوم و نتیجه حکایت تمثیلی به تجزیه و تحلیل عناصر آن می‌پردازد. مثلاً تشبیه می‌تواند منجر به ساختن تمثیل شود. تشبیه به عنوان یکی از مهمترین عناصر صورخیال در ساخت تمثیل کارآیی ویژه‌ای دارد و در ساختار تمثیل‌های حکایت‌های کلیله و دمنه تقسیم بندی پدید آورده است. مصادیقی از تمثیل در کلیله و دمنه به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد تمثیل همیشه برای ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز در قالب حکایات جایگاه ویژه‌ای داشته است و استفاده از ظرفیت تمثیل کار آیی بیشتری برای ایجاد فضای

تعلیمی و پند و اندرز در قالب حکایات دارد. با توجه به اینکه تشبیه برای ایجاد تخیل در مخاطب دارای کارکرد است. در ساختار حکایات تمثیلی کلیله و دمنه از استعاره تمثیلیه نیز بهره برده شده است. استفاده از تشبیه برای ساختن تمثیل هنر خاص نویسنده‌ی کلیله و دمنه است. لذا بسیار به چشم می‌خورد و برجسته است. وجه شبه در ساختمان تمثیل تأثیر به سزایی دارد و موجب تمییز و تشخیص آنها می‌شود.

تشبیه به اعتبار وجه شبه آن:

- ۱- تشبیه تمثیل: که مشبه معقول مشبه به آن محسوس مرکب است که مقصود ما از ساختار تمثیلی در تشبه این ساختار است. در تشبیه تمثیل وجه شبه آن مرکب و منتزع از چند چیز است.
- ۲- تشبیه غیرتمثیل: که وجه شبه در آن مفرد است.
- ۳- استعاره تمثیلیه: با ذکر مشبه به و حذف مشبه بوجود می‌آید گره به باد مزین گر چه بر مراد رود کاری که صورت می‌گیرد مشبه محذوف است و مشبه به آن گرده به باد زدن است، که نشان دهنده انجام کاری بیهوده است.

ممکن است تمثیل در قالب یک بیت یا داستان و حکایتی ظاهر شود بیان حکایت‌های تمثیلی یکی از شیوه‌های استدلال است که در آن با ارائه‌ی یک نمونه‌ی روشن و قابل قبول از موضوعی حکمی کلی را در آن زمینه نتیجه‌گیری می‌کند. به طور کلی پژوهشگر قصد دارد که در این پژوهش به بررسی حکایات تمثیلی کلیله و دمنه بپردازد و ساختار انواع حکایت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و بداند که تمثیل‌های به کار رفته در حکایت‌ها با استفاده از چه عناصر بلاغی ساخته شده‌اند.

بیان مساله:

تمثیل یکی از مقولات بحث برانگیز در میان بلاغیان بوده است. برخی آن را از صنایع بدیعی به شمار آورده‌اند و برخی آنرا ذیل علم بیان آورده‌اند و در عین حال معتقدان علم بیان نیز دو روایت از تمثیل دارند به اعتقاد برخی تمثیل یک تشبیه است و به اعتقاد برخی تمثیل یک استعاره است. تشبیه و استعاره هر دو در پدید آمدن حکایت‌های تمثیلی کلیله و دمنه نقش اساسی دارد. درحقیقت یک حکایت، جزئی از تشبیهی است که نقطه‌ی آغاز آن، مفهومی است که در قبل از آن حکایت بیان شده است. این فضا و زمینه‌چینی که باعث رفتن از یک حکایت به حکایت دیگر می‌شوند، به اصطلاح اسلوب قصه در قصه را پدید می‌آورند. که کلیله و دمنه نیز از این ساختار پیروی می‌کند. تمثیل ابزار

مهمی در بیان تعلیم و پند و اندرز در کتب تعلیمی به شمار می‌رود. اهمیت و جایگاه تمثیل سبب شد که پژوهشگران این حوزه آن را مورد بررسی قرار دهند. نویسندگان از دیر باز از تمثیل برای تأثیر بیشتر بر خواننده استفاده کرده‌اند. یکی دیگر از دلایل بهره بردن از تمثیل پوشیده سخن گفتن است تا مخاطبان به فراخور حال خود از آن بهره ببرند؛ یکی کمتر یکی بیشتر. برخی فقط پوسته و داستان را می‌گیرند برخی، مغز و معنا را درک می‌کنند. تمثیل خود دارای شاخه‌های متفاوت است. بدین ترتیب نویسندگان از ابزار تمثیل در داستان‌ها بهره برده‌اند تا مفاهیم بیشتری را در دل داستان‌های خود ارائه دهند بدون اینکه لازم باشد به پادشاهان توضیح دهند. گاهی نویسنده به نتیجه داستان اشاره کرده است و گاهی نتیجه را به خواننده واگذار کرده است. پژوهشگر به دنبال یافتن مصادیق تمثیل و طبقه بندی آن است و اینکه نویسنده چگونه با استفاده از ظرفیت تمثیل در بسط و گسترش مفاهیم داستانی بهره برده است و تمثیل و شاخه‌های آن چه نقشی در کتاب کلیله و دمنه ایفا می‌کند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

ضرورت انجام تحقیق:

طبقه بندی و شناخت تمثیل در حکایات تمثیلی کلیله و دمنه، ضرورتی است که پژوهشگر را قادر خواهد کرد چشم انداز نوینی از تمثیل‌های به کار رفته در متن کلیله و دمنه را بیابد به طوری که در فهم میزان اثر گذاری تمثیل و کار کرد آن در ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز مؤثر باشد. بررسی نقش تشبیه و استعاره تمثیلیه در ساختن تمثیل در حکایات کلیله و دمنه نوآوری این پژوهش است. تمثیل یکی از روش‌های تصویرسازی و مجسم کردن موضوع است و مخاطب را به تخیل وامی‌دارد و پژوهشگر با بررسی این مورد در حکایات تمثیلی کلیله و دمنه راهی نو فرا روی علاقمندان ادب فارسی گشوده است.

سؤال‌های پژوهش:

- ۱- به نظر می‌رسد تشبیه به عنوان یکی از مهمترین عناصر صورخیال در این متن در ساخت تمثیل کارآیی ویژه دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد تشبیه در ساختار تمثیل‌های حکایتهای کلیله و دمنه تقسیم بندی پدید آورده است.

۳- به نظر می‌رسد مصادیقی از تمثیل با استفاده از استعاره تمثیلیه در حکایات کلیله و دمنه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد تمثیل برای ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز در قالب حکایات جایگاه ویژه‌ای دارد و استفاده از ظرفیت تمثیل کار آیی بیشتری برای ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز در قالب حکایات دارد.

۵- به نظر می‌رسد تمثیل برای ایجاد تخیل در مخاطب دارای کارکرد و وجاهت است.

اهداف علمی:

- ۱- استخراج مصادیق تمثیل در کلیله و دمنه
- ۲- طبقه‌بندی و جدا سازی تمثیل از نظر ساختار و شیوه‌ی ارائه آن

پیشینه پژوهش:

- ۱- رضوانی نیا، (۱۳۷۹) در پایان نامه دکتری با عنوان «نقد و تحلیل درون مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه‌ی کلیله و دمنه، سمک عیار، چهار مقاله، مرزبان نامه و گلستان سعدی» به این نتیجه دست یافت: تمثیلات و کنایه‌ها به دلیل پیوند محکمی که با جامعه و واقعیت دارد به عنوان جزء مهمی از ادبیات به حساب می‌آید. (رضوانی نیا، ۱۳۷۹: ۲).
- ۲- ناهید سادات پزشکی و همکاران (۱۳۹۱). در مقاله‌ی «سیمای زن در کلیله و دمنه» کوشیده‌اند تصویری جامع از وضعیت زن در قرن ششم هجری، ترسیم کنند. (پزشکی و طهماسبی و سجادی، ۱۳۹۱: ۷۹)
- ۳- فرشته سجادی و همکار. (۱۳۹۳). در مقاله «بازتاب مضامین اخلاقی در کلیله و دمنه بهرامشاهی»، این مقاله کوشیده است تا با تحلیل و بررسی برخی از حکایت‌های کلیله و دمنه، نشان دهد که چگونه نویسنده با نقل داستان‌ها دیدگاه و طرز تفکر حاکم بر جامعه را به تصویر می‌کشد. (سجادی و پزشکی، ۱۳۹۳: ۲۲)
- ۴- یلمه‌ها و همکار (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «بررسی تمثیل در دو داستان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» به این نتیجه رسیدند: انواع فابل، پارابل و اگزومپلوم در این داستان‌ها یافت شد و فابل و اگزومپلوم در کلیله و دمنه بسامد بیشتری داشته است. (یلمه‌ها و ازدر نژاد، ۱۳۹۶: ۲۷).

۵- سعیده ساکی انتظامی (۱۴۰۲) در مقاله کارکردهای تشبیه تمثیلی در کلیله و دمنه به این نتیجه رسید که تشبیه تمثیلی در اصلی‌ترین کار کرد خود به بیان امور و مفاهیم غامض و انتزاعی و ذهنی و کشف آنها توسط امور محسوس، عینی می‌پردازد. (ساکی انتظامی، ۱۴۰۲: ۶۲)

گرچه کلیله و دمنه از نظر تمثیل مورد بررسی قرار گرفته است اما بررسی نقش تشبیه و استعاره تمثیلیه در ساختن تمثیل در حکایات کلیله و دمنه نو آوری این پژوهش است و سابقه‌ای از آن یافت نشد.

روش گرد آوری و شیوه تحقیق: پس از بررسی کتاب کلیله و دمنه و فیش برداری از منابع دست اول و کد گذاری فیش‌ها پژوهشگر به تحلیل داده‌ها اقدام کرد و با مراجعه به منابع گوناگون توضیحاتی را به مطالب افزود. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

تعاریف:

ادبیات تعلیمی یکی از شاخه‌های مهم نویسندگی در ادبیات فارسی است که در آن نویسنده به بیان پند و اندرز و تربیتی می‌پردازد.

ادبیات تعلیمی:

«درمعنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده که آموزش یک فن یا هنرخاص اختصاص داشته است. درمعنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی واجتماعی، مذهبی، حکمت، پند و اندرز و نظایر آنهاست.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۳۴)

تشبیه:

تشبیه یکی از عناصر مهم در ساختار تمثیل در حکایات کلیله و دمنه است. «تشبیه مصدر باب تفعیل است برای توضیح معنای مراد به کارمی رود و درتعریف آن گفته‌اند: «بیانَ إِنَ شَيْئاً أَوْ أَشْيَاءَ شَارِكَةً غَيْرَ مَا فِي صِفَتِهِ أَوْ أَكْثَرَ بِأَدَاةٍ هِيَ الْكَافُ أَوْ نَحْوَهَا مَلْفُوظَةٌ أَوْ مَلْحُوظَةٌ» تشبیه عبارت است از بیان مشارکت یک یا چند چیز با غیرخود دریک صفت یا بیشتر؛ بوسیله حرف (کاف) یا مانند آن، خواه ادات تشبیه درکلام ذکرشود یا نه. مانند کلام پیامبر اکرم (ص): أَلَمْؤَمِّن كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ. مؤمن مانند کوه استوار است که بادهای سهمگین حوادث روزگار او را تکان نمی‌دهد. « (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷) یکی از بنیادهای تمثیل به تشبیه برمی گردد به طوری که شاید بتوان تشبیه را

پایه‌ی به وجود آمدن تمثیل دانست و در این خصوص گفته شده است: «تشبیه ازبالاترین انواع بلاغت و شریفترین آن است.» (سیوطی، ۱۳۷۶ ج ۲: ۱۴۰)

فابل:

فابل تمثیلی از نوع حیوانی است که شخصیت‌های داستان حیوانات هستند. «آن‌ها نه حیوانات واقعی اند و نه انسان‌هایی در لباس حیوانات، آن‌ها حیواناتی هستند با افکاری که انسان‌ها، اگر فرضاً به شکل حیوانات مسخ می‌شدند مسلماً دارا بودند.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۵۰) «فابل یک لغت فرانسوی دخیل در زبان فارسی است و به حکایت‌های کوتاهی اطلاق می‌شود که یک مضمون اخلاقی را در بر داشته باشد.» (میر صادقی، ۱۳۷۵: ۱۰۴) فابل شاخه‌ای از ادبیات داستانی است «درباره زادگاه و خاستگاه فابل محققان نظرات متفاوتی ابراز داشته‌اند اما باور غالب آن است که مولد این نوع ادبی هند و یونان بوده است.» (ایران دوست تبریزی، ۱۳۷۱: ۲) تاریخ فابل بسیار قدیمی و باستانی. ادبیات داستانی که ریشه در تمدن‌های گذشته دارد. «کشف نمونه‌هایی از اینگونه قصه‌ها در سنگ نبشته‌های قدیم بین النهرین و وجود بعضی روایات و اخبار نشان می‌دهد که یونان و ازوپ این فن را به بابل و آشور مدیون بوده‌اند.» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۵۰۶) در ادبیات فارسی، کتاب کلیله و دمنه با ویژگی‌های مختص به خود از عالی‌ترین نمونه‌های فابل است.

تمثیل:

شمس قیس رازی، تمثیل را از جمله‌ی استعارات دانسته و نوشته است «الا آن که این نوع استعارتی است به طریق مثال، یعنی چون شاعر خواهد به معنی اشارتی کند لفظی چندکه دلالت بر معنی دیگر می‌کند بیاورد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از معنی خویش بدان مثال دیگر عبارت کند و این صنعت خوش‌تر از استعارات مجرد باشد.» (رازی، ۱۳۴۷، ۳۴۰) تمثیل، از مسائل و موضوعات علم بیان است. «در تمثیل اصل بر این است که مشبه به ذکر شود اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود مثل (تشبیه تمثیل) مثل کسانی که به دنیا چسبیده‌اند مثل کسانی که در رهگذر سیل خانه ساخته‌اند.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۶)

همچنین اگر با دیدگاه تشبیه ساخته شود آنگاه ساختار ویژه دارد. «تشبیه معقولی به محسوس مرکب که با تشبیه و ارسال المثل معمولاً یکسان و برابر است.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۹) در کتاب‌های بیان امروزه اساتید فن نیز به آن پرداخته‌اند:

«شفیعی کدکنی تمثیل را معادل آلیگوری فرهنگی و به معنای بیان روایی گسترش یافته‌ای می‌داند که معنای دیگری نیز ورای ظاهر آن می‌توان یافت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۸۲) همچنین استادان بلاغت

از جمله سیروس شمیسا آنرا اینگونه بیان کرده است: «در تشبیه تمثیل، تشبیه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه بهی مرکب و محسوس ذکر می‌شود.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۸) در تمثیلی که بر پایه تشبیه ساخته می‌شود مشبه به اقوی و اجلی از مشبه است یعنی مشبه به ملموس و عینی است تا بتوان مشبه معقول را شرح داد. «تمثیل نوعی تشبیه مرکب است و عبارت از اینکه شاعر و نویسنده برای تفهیم و اثبات معنا و موضوع ذهنی خود، مثال و نمونه‌ی عینی و محسوس می‌آورد و میان آن دو رابطه‌ی شباهت می‌آورد» (مرتضایی ۱۳۹۰: ۳۳)

تشبیه تمثیل:

در این نوع تشبیه وجه شبه از امور متعدد انتزاع شده است؛ به طوریکه وجه شبه دارای ابعادی است که نیازمند ژرف اندیشی می‌باشد. تشبیه تمثیل از رساترین انواع تشبیه است و گوینده با بکار بردن این تشبیه مقصود خود را به بهترین شکل در ذهن مخاطب جا می‌دهد. در قرآن کریم و نهج البلاغه شریف از این نوع تشبیه فراوان است مانند: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» (بقره ۲۶۱) مثل (صدقه) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه ایست که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد. (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷) در کتب بلاغی فارسی، از میان صنایع بیانی، غالباً از صنعت تشبیه سخن در میان است. «در تشبیه تمثیلی یک نوع تشبیه مرکب وجود دارد که مشبه به آن می‌تواند به تنهایی به کار رود هر تشبیه تمثیلی مرکب است اما هر تشبیه مرکبی تمثیل نیست.» (رجایی: ۱۳۵۹، ۲۷۶) همانگونه که ذکر شد با داشتن ویژگی‌هایی بعضی از گونه‌های تشبیه، تمثیل به شمار می‌آیند. «به تعبیر اهل منطق، نسبت تشبیه و تمثیل عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر تمثیلی تشبیه است، اما بعضی از گونه‌های تشبیه، تمثیل به شمار می‌آید. جرجانی برای تشبیه تمثیل، سه ویژگی ذکر کرده است:

- ۱- تمثیلی که وجه شبه در آن آشکار نیست.
 - ۲- تمثیلی که وجه شبه در آن صفت عقلی و غیر حقیقی است. «
 - ۳- تمثیلی که نیاز به تأویل دارد. (جرجانی، ۱۹۵۴: ۸۴).
- شاید یکی از اصلی‌ترین ابزار ساخت تمثیل تشبیه باشد «تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴) اما تنها ابزار نیست که برای برجسته سازی تصویری به کار می‌رود. «تشبیه تمثیل صحنه یا تابلویی را از رویدادی یا منظره‌ای نشان می‌دهد.» (تجلیل، ۱۳۶۵: ۵۴)

استعاره تمثیلیه

گونه دیگر تمثیل در معنای خاص، استعاره‌ای است از نوع استعاره‌های مرکب. «علوی مقدم و اشرف زاده کاربرد جمله در غیر معنی «ما وضع له» را استعاره مرکب یا تمثیلیه دانسته‌اند.» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۶: ۱۲۷). برخی از بلاغیان تمثیل را در ردیف استعاره به شمار آورده‌اند. «در علم بلاغت، تمثیل تصویر یا مجازی تلقی می‌شود که گوینده به وسیله آن چیزی می‌گوید، اما مقصودش چیز دیگری است. اما معمولاً مهمترین نوع تمثیل را به عنوان استعاره گسترده metaphor Extended تعریف کرده‌اند.» (پورنامداریان: ۱۳۶۷، ۱۱۶). از میان نظرات گوناگون این نظریه نیز حائز اهمیت است زیرا به هر سه نظریه در خصوص تمثیل معتقد است: «در میان انواع نظرات درباره تمثیل، سه تقسیم بندی به وجود دارد ۱ شاخه‌ای از تشبیه؛ ۲- جزو استعاره؛ ۳- مثل یا شبیه مثل. که اکثریت بلاغیان آن را شاخه‌ای از تشبیه دانسته‌اند، و پس از آن، این دیدگاه که تمثیل جزو استعاره است بیشترین موافقان را داشته است.» (اژدر نژاد و چترایی و یلمه‌ها، ۱۳۹۷: ۷۱)

انواع حکایت

دو نوع حکایت تمثیلی می‌توان در کلیله و دمنه دید فابل و استعاره تمثیلیه و نوع سوم جملات قیاسی هستند.

۱- حکایات تمثیلی (فابل) که مشبه به (ممثل) از شخصی واقع میشوند که همان عمل را انجام می‌دهد. در این مدل کل قطعه‌ی زبانی در حکم مشبه به (ممثل) برای کسانی است که همانند آن قهرمان حکایت عمل می‌کنند و نتیجه‌ای را می‌گیرند که قهرمان حکایت گرفته است. «در کتابهای بلاغی از اصطلاح ممثل له به جای مشبه و ممثل به جای مشبه به استفاده می‌شود.» (علوی مقدم، ۱۳۶۷: ۱۱۲) شخصی که با به کار بردن حیل‌های دشمن خود را به دست دشمنان دیگر از بین می‌برد مشبه است و خود حکایت و حوادث آن مشبه به هستند منظور از حکایت، همانطور که نویسنده از زبان دمنه در حکایت می‌گوید این است که بدانی که آنچه به حیلت توان کرد بقوت ممکن نباشد.

«زاغی که با کمک شغالی حیل‌های ترتیب داد و پیرایه‌ی زنی را دزدید و در لانه‌ی مار انداخت و عده‌ای که برای گرفتن پیرایه به دنبال زاغ بودند برای برداشتن پیرایه اول مار را کشتند و بعد پیرایه را برداشتند و زاغ به این وسیله از شر مار رها شد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۸۶)

فابل خرگوشی که با تدبیر شیر را در چاه افکند و خودش جان به در برد مشبه به (ممثل) است برای فردی که با فراست و تدبیر مشکل خود را حل می‌کند و از غفلت دشمن استفاده می‌کند و او را شکست می‌دهد. (منشی، ۱۳۸۰: ۸۹)

حکایت غوک و مار: که مشبه به (ممثل) برای شخصی است که در به کار بردن حيله‌ای اشتباه می‌کند و بر سر خودش بلا نازل می‌شود مثل حکایت غوک و مار است.

«غوکی درجوار ماری وطن داشت هرگاه بچه کردی مار بخوردی او بر پنج پا یکی دوستی داشت نزدیک او رفت ... پنج پایک گفت: با دشمن غالب توانا جز به مکر دست نتوان یافت و فلان جای یکی راسوست؛ یکی ماهی چند بگیر و بکش پیش سوراخ راسو تا جایگاه مار میافکن، تا راسو یگان یگان می‌خورد چون بمار رسید تو را از جور او باز رهااند. غوک بدین حیلت مار را هلاک کرد. روزی چند بران گذشت راسو را عادت بازخواست که خو کردگی بتر از عاشقی است؛ باردیگر هم بطلب ماهی بر آن سمت می‌رفت ماهی نیافت. غوک را با بچگان جمله بخورد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۱۹) در این قطعه‌ی زبانی کل حکایت مشبه به (ممثل) برای شخصی است که همان عمل قهرمان داستان را انجام می‌دهد.

دراین نوع حکایت کوتاه که در قالب جمله‌ای موجز و کوتاه است، کل قطعه‌ی زبانی درحکم مشبه به (ممثل) است برای کسانی که همانند آن قهرمان حکایت هستند؛ کسانی که بر پایداری ابر یا برپایداری دوستی شیرین یا به پایداری عشق زنان یا به پایداری ستایش ستایشگران دروغین یا به مال بسیار دل می‌بندند، مانند کسانی هستند که شکست می‌خورند و فریفته می‌شوند. افراد فریفته مشبه (ممثل له) برای این کلام موجز هستند.

«و علما گفته‌اند چند چیز را ثابت نیست: سایه‌ی ابر و دوستی اشرار و عشق زنان و ستایش دروغ و مال بسیار.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

این حکایت مشبه به (ممثل) است برای کسی که دست از ظلم و ستم برنمی‌دارد تا آنکه بلایی بر سرش بیاید و آنگاه توبه کارمی‌شود.

«همچنین در باب النابل و اللبوه کل حکایت شیر ماده‌ای که با دو بچه‌اش در بیشه‌ای وطن داشت.» (منشی، ۱۳۸۰: ۳۳۴)

حکایت بعدی ممثل از شخصی است که خودش را دست کم می‌گیرد و نیز شخصی است که با فراموش کردن خود بخواد خود را شخص دیگری نشان دهد. کل حکایت مشبه به (ممثل) از کسی است که با سخن چینی کسی را به بلایی بیافکند و سپس گناهکاری خودش مشخص شود و خودش

عقوبت شود؛ که در پایان بی گناهی سیاح مشخص شد و زرگر که به حيله قصد او را کرده بود به همان مجازات گرفتار شد. در حکایت زرگر و سیاح (منشی، ۱۳۸۰: ۴۰۲) و مانند حکایت «زاغی است که می‌خواست راه رفتن کبک را بیاموزد راه رفتن خودش را نیز فراموش کرد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۳۴۴)

۲- حکایات تمثیلی که در آن استعاره تمثیل وجود دارد. کل قطعه‌ی زبانی در حکم مشبه به (ممثل) نقل شده است و فردی که دچار سرنوشتی مانند سرنوشت قهرمان شده است مشبه (ممثل له) محذوف است یعنی حال آن شخص استعاره است از حکایت بیان شده است. مشبه (ممثل له) حکایت شخصی است که امور را تعمیم می‌دهد و با یک بار شکست فکر می‌کند باز هم همان نتیجه قبلی را به دست خواهد آورد و دست از تلاش می‌کشد.

این حکایت استعاره تمثیلیه از کسی است که با یک بار شکست دست از تلاش می‌کشد و فکر می‌کند همیشه نتیجه‌ی تلاش او یکسان است و منجر به شکست خواهد شد در استعاره تمثیلیه مشبه (ممثل له) محذوف است و مشبه به (ممثل) ذکر می‌شود.

«گویند که بطلی در آب روشنائی ستاره‌ی دید پنداشت که ماهی است، قصد می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت: چون بارها بیازمود و حاصل ندید فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی گمان بردی که همان روشنائی است قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

کسی که افرادی را نصیحت می‌کند که قدر او را نمی‌دانند؛ کار او بیهوده است و مانند کسی است که به امید اینکه بذرها رشد کنند و زیاد شوند در شوره زار آنها را می‌کارد و با مرده مشورت می‌کند و با کر مادر زاد حرف می‌زند و روی آب می‌نویسد.

«هرکه نصیحت و خدمت کسی را کند که قدر آن نداند چنانست که بر او مید ریع در شورستان تخم پراکند و با مرده مشاورت پیوندد و در گوش کرمادر زاد، غم و شادی گوید و بر روی آب روان معما نویسد و بر صورت گرمابه به هوس تناسل عشق بازد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

۳- حکایات تمثیلی که در آن به قیاس می‌پردازد و می‌گوید سرگذشت این شخص همانند آن شخص است سپس توضیح می‌دهد که این کار مساوی با آن کار است و در پایان به یک تساوی دست می‌یابد. کل بخش اول قطعه زبانی مشبه است و بخش دوم یعنی مطلب قیاس شده مشبه به است.

«مانند عالم بی عمل به چه ماند به زنبور بی غسل.» (سعدی، ۱۳۸۳: ۲۹۱)

↑↓	↑↓
مشبه به	مشبه

«چون خوره در دندان جای گرفت از درد او شفا نباشد مگر بقلع؛ و طعامی که معده از هضم و قبول آن امتناع نمود و بغثیان و تهوع کشید از رنج او خلاص صورت نبندد مگر بقذف، و دشمن که بمدارا و ملاطفت بدست نیاید و نزد او بتودد زیادت گردد ازو نجات نتواند بود مگر بترک صحبت او بگوید.» (منشی، ۱۳۸۰: ۹۸)

ترک دشمن مانند کندن دندان فاسد است



مانند این جمله از سعدی که در نتیجه گیری دارای قیاس است. «عالم بی عمل، به چه ماند، به زنبور عسل.» (سعدی، ۱۳۸۳: ۲۹۱) در این حکایت به قیاس پرداخته است. تنها راه نجات از دندان فاسد کندن آن است، پس تنها راه نجات از دشمن ترک کردن او است.

در این قیاس کوتاه سعی در اثبات این امر دارد که شخص بد ذات هرگز خوش باطن نخواهد شد مانند عقربی که حتی اگر برای مدت طولانی دم آن را ببندند اما پس از آنکه باز کنند بلافاصله به کار خود ادامه خواهد داد و دیگران را نیش خواهد زد.

«بد سیرت را با راه راست آشنا نتوان کرد چنانکه نیش کژدم اگر چه بسیار بسته دارند و در اصلاح آن مبالغت نمایند چون بگشایند بقرار اصل باز رود و به هیچ تأویل علاج نپذیرد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۹۴)

حکایت بازرگانی که صدمن آهن را به نزد امینی به امانت می‌گذارد و وقتی به سراغ آهن می‌آید امین می‌گوید موش آن آهن را بخورد بازرگان می‌پذیرد و پسر امین را با خود می‌برد. در این حکایت نیز با استفاده از قیاس می‌گوید: اگر موش آهن می‌خورد پس باز هم بچه را برمی‌دارد و مانند این حکایت است: عالم بی عمل به چه ماند، به زنبور بی عسل. عالم بی عمل مساوی است با زنبوری که هیچ فایده‌ای ندارد و عسل تولید نمی‌کند. کل حکایت مشبه به (ممثل) است برای قیاس با حال شخصیت داستان است. «و چون بطلبیدند بازرگان گفت من بازی را دیدم کودکی را می‌برد. امین فریاد برآورد که محال چرا می‌گویی باز کودک را چگونه برگیری؟ بازرگان بخندید و گفت: دل تنگ چرا می‌کنی؟ در شهری که موش آن صدمن آهن بتواند خورد آخر باز کودکی را هم برتواند داشت. امین دانست که حال چیست گفت: آهن موش نخورد، من دارم، پسر بازده و آهن بستان.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۲)

تمثیل در قالب استعاره تمثیلیه

استعاره‌ی تمثیلیه نیز یکی از انواع تمثیل است که با ذکر مشبه به و حذف مشبه وجود می‌آید. گره به باد مزین گرچه بر مراد رود. در بیان مفهوم آن انجام کار بیهوده همان مشبه محذوف است، که مانند گره به بادزدن است.

«استعاره با درهم آمیختن دریافت‌های ما از مشبه و مشبه به (رسانه و هدف) معنایی می‌سازد که (حاصل تبادل) آن دو است.» (استیور، ۱۳۸۴: ۲۱۵) کلیله و دمنه نیز از استعاره‌ی تمثیلیه بی تأثیر نمانده است. «هر که از آتش بستر سازد و از مار بالین کند خواب او مهنا نباشد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۹۵) استفاده از استعاره تمثیلیه که با ذکر مشبه به و حذف مشبه شکل گرفته است.

مار است	مانند	شر	آتش است.	مانند	شر
↕		↕	↕		↕
مشبه به		مشبه محذوف	مشبه به		مشبه محذوف

«درواقع در تشبیه یک رابطه‌ی شباهت از قبل وجود داشته است و سپس شاعر یا نویسنده به کشف آن می‌پردازد، اما در استعاره شاعر یا نویسنده به خلق شباهت دست می‌زند. (ماکس بلک، فیلسوف معاصر در مقاله‌ی (استعاره) ۱۹۵۵ نشان داد که استعاره سازی یک عمل ذهنی متمایز است. استعاره (شباهت) از پیش بوده میان دو چیز را بیان نمی‌کند، بلکه شباهت را خلق می‌کند بلکه در حقیقت در پیشنهادی جسورانه ادعا کرد که استعاره تنها در تشخیص واقعیت به ما کمک نمی‌کند بلکه واقعیت یا معنای جدیدی می‌آفریند.» (زنگوی، شعبانی، فتوحی، مسعودی، ۱۳۸۹: ۸۲)

که در اینجا نیز این نظریه در رابطه با این استعاره تمثیلیه در کلیله و دمنه صدق می‌کند در اینجا نویسنده برای بیان مفهوم سوزاندگی و خطرناک بودن شر آنرا به آتش و مار تشبیه کرده است؛ که در کنار این هر دو نمی‌توان خوابی آرام و شیرین را تجربه کرد. استعاره مفهومی به زمینه‌ای محدود نیست، و واژه‌ها خود را به یافتن مفهومی فراسوی زمینه یا متن فرامی‌خوانند، در استعاره کذب بیشتر درباره‌ی آن محقق می‌شود و مفهومی را به طور برجسته تقویت و برجسته می‌کند و یا آن را تضعیف می‌کند. که در این مورد با استفاده از استعاره تمثیلیه حس شرارت در مورد آتش و مار تقویت و برجسته‌تر شده است و بدین وسیله نصراله منشی با یک خلاقیت به خلق معنایی جدید با استفاده از استعاره‌ی تمثیلیه پرداخته است؛ و در ترکیب اجزای استعاره‌ی تمثیلیه بین مستعار و مستعار له به خلق معنایی بدیع دست یافته است که هیچ یک از این اجزاء به تنهایی قادر به آفرینش این معنی نیستند.

«سحاب گویی یا قوت ریخت برمینا نسیم گویی شنگرف بیخت بر زنگار» (منشی، ۱۳۸۰: ۸۶)

شنگرف است	مثل	گل	یا قوت است	مثل	باران
↕		↕	↕		↕
مشبه به		مشبه محذوف	مشبه به		مشبه محذوف

استعاره‌ی تمثیلیه است که با حذف مشبه فقط مشبه به در آن ذکر شده است. برخی کاربرد آنرا در ارسال المثل و ضرب المثل قوی‌تر دانسته‌اند اما در غیر آن نیز به کار می‌رود. «استعاره مرکب که معمولاً جنبه‌ی ارسال المثل یا ضرب المثل دارد و به آن استعاره‌ی تمثیلیه هم می‌گویند؛ مانند آب در هاون کوبیدن یا تکیه بر آب زدن و یا مهتاب به گز پیمودن.» (شمیسا ۱۳۷۸: ۷۰)

بخار چشم هوا و بخور روی زمین ز چشم دایه‌ی باغ است روی بچه خار

(منشی، ۱۳۸۰: ۸۶)

باران	مثل	بخار چشم هواست	بوی خوش گل‌ها	مثل	مثل بخور روی زمین است
↕		↕	↕		↕
مشبه محذوف		مشبه به	مشبه محذوف		مشبه به

تشبیه تمثیل در قالب اضافه تشبیهی

در ترکیب روزنامه اقبال: اقبال مشبه معقول است مانند روزنامه‌ای است که با این معانی آراسته می‌شود مشبه به مرکب محسوس است درعین حال که ترکیب روزنامه اقبال اضافه تشبیهی است. میان مشبه و مشبه به رابطه‌ی تمثیل برقرار است و تشبیه تمثیل هستند یعنی مشبه معقول به مشبه به مرکب محسوس تشبیه شده است. «که روزنامه‌ی اقبال بدین معانی آراسته شود.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۵) و مثال‌ها در جملات بعدی از همین قبیل است: صحیفه‌ی دل، کارنامه سعادت، خوابگاه ناکامی، نهال کردار، تخم گفتار، صحیفه کوثر، راید فکرت، روز ظفر، شب فراق، نسیم شمایل، روز محنت، زیور صبر، سیل آفت، موج محنت، منشور دولت، میدان فکرت، دریای حیرت، لباس تلف، دام عزامت، عقد موالات، و صصمت غدر، میدان مخالفت، نهال مردمی، انوار رشد و نجات، نور عقل، صحیفه‌ی دل.

صحیفه دل اضافه تشبیهی «صحیفه‌ی دل و کارنامه‌ی سعادت به امثال آن مطرز گردد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

خوابگاه ناکامی، اضافه تشبیهی «دشمن در خوابگاه ناکامی و مذلت غلطان.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

نهال کردار، تخم گفتار، اضافه تشبیهی «چه نهال کردار و تخم گفتار چنانکه پرورده و کاشته شود بثمرت و ربیع رسد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

صحیفه کوثر، اضافه تشبیهی «صحبت اشرار را دست موزه‌ی سعادت ساختن همچنان است که برصحیفه کوثر تعلیق کرده شود و گاه بیخته را به باد صرصر سپرده آید.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۳۲)

راید فکرت، اضافه تشبیهی «راید فکرت چنان نگار گزیده.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۳۷)

روز ظفر، شب فراق، اضافه تشبیهی «رخساری چون روز ظفر تابان وزلفی چون شب فراق درهم و بی پایان.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۳۷)

نسیم شمالیل، بوستان مقاولت اضافه تشبیهی «نسیم شمالیل تو از بوستان مقاولت او به من رسید.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۷۹)

روز محنت، زیور صبر اضافه تشبیهی «در روز محنت هیچ پیرایه چون زیور صبر نیست.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

سیل آفت، موج محنت اضافه تشبیهی «هرساعت سیل آفت قوی‌تر و موج محنت حمایل‌تر می‌گردد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۸۶)

منشور دولتش، اضافه تشبیهی «قلم عطارد منشور دولتش توقیع کند.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۸۶)

میدان فکرت، دریای حیرت، اضافه تشبیهی «آنکه اورا گفت که موجب چیست که درلحظت در میدان فکرت می‌تازی برو در دریای حیرت غوطی می‌خوری؟» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۴۹)

لباس تلف، اضافه تشبیهی «و کدام مصیبت از این هایل‌تر که هم خانه‌ی خود را بی‌موجبی هلاک کردم و بی‌تاملی لباس تلف پوشاندم.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۶۴)

دریای حیرت، دام عزامت، اضافه تشبیهی «رأی گفت شنودم مثل آن کسی که بی‌فکرت و رویت خود را دریای حیرت و ندامت افگند و بسته‌ی دام عزامت و پشیمانی گردد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۶۶)

عقد موالات، اضافه تشبیهی «موش گفت: تا قاصدان من به مشاهده آن بر لطف حال مصافات و استحکام عقد موالات واقف شوند.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۷۱)

وصمت غدر، اضافه تشبیهی «وصمت غدر و منقصت مکر سمتی کریه است و خدشه ای زشت.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۷۲)

میدان مخالفت، اضافه تشبیهی «مرد خوب سیرت نیکو سریرت بیک تودد قدم درمیدان مخالفت نهد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۷۲)

نهال مردمی، اضافه تشبیهی «و نهال مردمی و مودت را پیراسته و سیراب گرداند.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۷۲)

انوار رشد، اضافه تشبیهی «آن پادشاه را پسری آمد که انوار رشد و نجات درناصیه او تابان بود.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۸۳)

نور عقل، زینت خرد، اضافه تشبیهی «که با نور عقل آراسته باشد و به زینت خرد متحلی.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

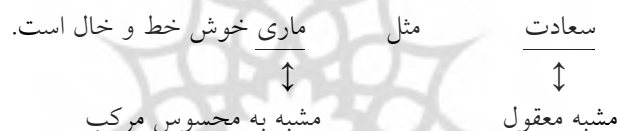
صحیفه‌ی دل، اضافه تشبیهی «و به هیچ وقت و در هیچ حال بر صحیفه‌ی دل او از آن اندک و بسیار نشانی یافته شود.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

تشبیه تمثیل

در این نوع از تشبیه امری معقول به امری محسوس و مرکب تشبیه می‌شود.

هست چون مار گرزه دولت دهر نرم و رنگین و اندرون پر زهر

(منشی، ۱۳۸۰: ۲۳۹)



نتیجه:

پس از بررسی داده‌ها، پژوهشگر دریافت:

تشبیه یکی از مهمترین عناصر صور خیال است که در ساخت تمثیل کار کردی ویژه دارد؛ که برای ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز و ایجاد تخیل در مخاطب مؤثر است و در ساخت تمثیل در کلیله و دمنه تنوعی را پدید آورده است. در کتاب کلیله و دمنه با چهار ساختار از تشبیه تمثیلی روبه رو هستیم. تمثیل از نظر ساختار به دو نوع کوتاه و بلند تقسیم شده است؛ که نوع دوم آن در حکایات یافت می‌شود.

ساختار اول همان شکل سنتی تشبیه تمثیلی است که مشبه امری معقول است و مشبه به امری محسوس و مرکب است

در ساختار دوم به شکل استعاره‌ی تمثیلی است که در آن مشبه به ذکر می‌شود و مشبه محذوف است که در این نوع نیز معقول بودن مشبه و محسوس مرکب بودن مشبه به رعایت شده است.

سومین ساختار در قالب اضافه تشبیهی است که به شکل تمثیلی است که مضاف الیه همان مشبه معقول است و مضاف حکم مشبه به محسوس مرکب را دارد. در ساختار چهارم از حکایات تمثیلی بهره برده است. بدین شکل که ساختار متفاوتی در حکایات تمثیلی در کتاب به چشم می‌خورد..

- ۱- حکایات تمثیلی که مشبه به از شخصی واقع میشوند که همان عمل را انجام می‌دهد. در این مدل کل قطعه‌ی زبانی در حکم مشبه به برای کسانی است که همانند آن قهرمان حکایت عمل می‌کنند و نتیجه‌ای را می‌گیرند که قهرمان حکایت گرفته است.
- ۲- حکایات تمثیلی که در آن استعاره تمثیل وجود دارد. کل قطعه‌ی زبانی در حکم مشبه به نقل شده است و فردی که دچار سرنوشتی مانند سرنوشت قهرمان شده است مشبه محذوف است یعنی حال آن شخص استعاره از حکایت بیان شده است.
- ۳- حکایات تمثیلی که در آن به قیاس می‌پردازد و می‌گوید سرگذشت این شخص همانند آن شخص است سپس توضیح می‌دهد که این کار مساوی با آن کار است و در پایان به یک تساوی دست می‌یابد. کل بخش اول قطعه زبانی مشبه است و بخش دوم مشبه به می‌باشد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم بقره ۲۶۱/
- ازدرنژاد، هاله، چترایی، مهرداد، یلمه‌ها، احمد رضا، (۱۳۹۷). نگاهی تحلیلی - تطبیقی به تمثیل از دیدگاه قندوزی و بلاغت نویسان قبل و بعد وی، فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، سال دهم، شماره ۳۶.
- استیور، دان، (۱۳۸۴). فلسفه زبان دینی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، تهران: نشر ادیان.
- ایران دوست تبریزی، رضا. (۱۳۷۱). شخصیت‌ها و اخلاق در فابل‌های پروین اعتصامی و ژان دولافونتن، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۴۲-۱۴۳.
- پزشکی، ناهیدسادات، طهماسبی، فریدون، سجادی، فرشته. (۱۳۹۱). در مقاله‌ی سیمای زن در کلیله و دمنه، نشریه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، سال سوم، پیاپی: هفت
- پور نامداریان، محمد تقی، (۱۳۶۷). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- تجلیل، جلیل، (۱۳۶۵). معانی و بیان، تهران: مرکز نشر جهاد دانشگاهی.
- جرجانی، عبدالقاهر، (بی تا). اسرار البلاغه، با حواشی سید محمد رشید، بیروت: دار المنار.

حسینی کازرونی، احمد، کمالی بانیان، محمد رضا، (۱۳۹۴). نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال ۸، شماره پیاپی: بیست و شش.

_____، (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال هفتم، پیاپی: بیست و سوم.

رازی، شمس قیس، (۱۳۲۸). المعجم فی معانی اشعار العجم، تصحیح عبدالوهاب قزوینی، تهران: کتابفروشی تهران.

رجایی، محمد خلیل، (۱۳۵۹). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رضوانی نیا، اسماعیل، (۱۳۹۷). نقد و تحلیل درون مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه‌ی کلیله و دمنه، سمک عیار، چهار مقاله، مرزبان نامه و گلستان سعدی، رساله‌ی دکتری دانشگاه آزاد سبزوار.

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴). نه شرقی نه غربی انسانی، تهران: امیر کبیر.

زنگویی، اسداله، شعبانی ورکی، بختیار، فتوحی، محمد، مسعودی، جهانگیر، (۱۳۸۹). استعاره: مفهوم نظریه‌ها و کارکردهای آن در تعلیم و تربیت، مجله‌ی مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد دوره یازدهم شماره ۱.

ساکی انتظامی، سعیده (۱۴۰۲) کارکردهای تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه، نشریه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال پانزدهم، شماره ۵۸.

سجادی، فرشته، پزشکی، ناهیدسادات. (۱۳۹۳). بازتاب مضامین اخلاقی در کلیله و دمنه بهرامشاهی، نشریه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال ششم، پیاپی ۲۰

سعدی، ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلح بن عبدالله بن مشرف، (۱۳۸۳). کلیات سعدی، به اهتمام جهانگیر منصوری، تهران: احیاء کتاب.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۷۶). الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تصحیح ابراهیم محمد ابوالفضل، تهران: امیرکبیر.

شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۵۰). صور خیال شعر فارسی، ج: ۲، تهران: نیل.

_____، (۱۳۶۶). شاعر آیین‌ها بررسی سبک هندی و شعر بیدل دهلوی، ج: ۳، تهران: آگاه.

_____، (۱۳۷۸). بیان و معانی، ج: ۳، تهران: فردوس.

شمیسا، سیروس، (۱۳۸۰). انواع ادبی، تهران: فردوس

_____، (۱۳۸۱). معانی و بیان، چ نهم، تهران: فردوس.

علوی مقدم، محمد، (۱۳۶۷). تمثیل در شعر ملای رومی، کیهان اندیشه، شماره‌ی ۲۲.

علوی مقدم، محمد، اشرف زاده، رضا، (۱۳۷۹). معانی و بیان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

محمدی، حمید، (۱۳۸۲). آشنایی با علوم بلاغی: بیان و بدیع، قم: موسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی دارالذکر آفاق.
مرتضایی، جواد، (۱۳۹۰). تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، شماره ۴، پیاپی ۱۲.

منشی، نصر الله، (۱۳۸۰). کلیله و دمنه، چ بیستم، تهران: امیر کبیر.

میر صادقی، جمال. (۱۳۷۵). داستان و ادبیات، تهران: نگاه.

یلمه‌ها، احمد رضا، ازدرنژاد، هاله، (۱۳۹۶). بررسی تمثیل در دو داستان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، سال نهم، شماره ۳۴.

References:

- The Holy Quran Baqarah / 261
Alavi Moghadam, (1367), allegory in the poem of Mulla Rumi, Kihan Andisheh, No. 22.
Alavi Moghadam, Mohammad, Ashrafzadeh, Reza, (1379), Ma'ani wa Bayan, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt).
Azdranjad, Hale, Chatraei, Mehrdad, Yalmeha, Ahmad Reza, (2017), an analytical-comparative look at allegory from the point of view of Kundozi and rhetoricians of the past and After him, allegorical research in Persian language and literature, year 10, number 36.
Hosseini Kazrooni, Ahmed, Kamali Banian, Mohammad Reza, (2014), an attitude towards allegory in educational literature, the quarterly journal of educational and lyrical research of Persian language and literature, Islamic Azad University, Bushehr branch, year 8, serial number: twenty-six.
_____, (2014), allegory and literature Metathili, Persian language and literature didactic and lyrical research quarterly, Islamic Azad University, Bushehr branch, year 7, serial number: twenty-third
Iran Dost Tabrizi, Reza. (1371), Tabriz Faculty of Literature and Humanities Journal, No. 142-143.
Jarjani, Abdul Qahir, (Bita), Asrar al-Balagheh, with notes by Seyyed Mohammad Rashid, Beirut: Dar al-Manar.
Menshi, Nasrullah, (1380), Kalileh and Damneh, 20th edition, Tehran: Amir Kabir Publications.
Mir Sadeghi, Jamal. (1375) Fiction and Literature, Tehran: Negah.
Mohammadi, Hamid, (1382), Introduction to Rhetorical Sciences: Expression and Innovation, Qom: Afaq Darul Dakher Publishing Cultural Institute.
Mortezaei, Javad, (1390), allegory, image or novel craft, researches on Persian language and literature of Isfahan University, number 4, serial 12.
Pezeshki, Nahidsadat, Tahmasabi, Fereydoun, Sajjadi, Fereshte. (1391). In the article on the image of a woman in Kalileh and Demeneh, Journal of Literary Criticism and Stylistic Research, series: 7
Pour Namdarian, Mohammad Taghi, (1367), code and secret stories in Persian literature, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.

- Rajaei, Mohammad Khalil, (1359), Rhetoric teachers in the science of meaning and expression and innovation, Tehran: Tehran University Press.
- Razi, Shamsqis, (1328), Al-Mujajm in the criteria of Al-Ajam poetry, edited by Abdulhaab Qazvini, Tehran: Tehran bookstore.
- Rizvaninia, Ismail, (1397), Criticism and analysis of the theme and structure of allegorical stories (dramatic) in Persian literature in the 6th and 7th centuries based on Kalila and Demaneh, Samak Ayyar, four essays, Marzbannameh and Golestan Saadi, treatise Ph.D. Azad Sabzevar University.
- Saki Entezami, Saeedeh (1402) The Functions of Allegory in Kalileh and Demaneh, Journal of Allegorical Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bushehr Branch, 15th year, number 58.
- Saadi, Abu Mohammad Musharafuddin Mosleh bin Abdullah bin Musharraf, (1383), Saadi Colleges, by Jahangir Mansouri, Tehran: Ahyaya Kitab.
- Sajjadi, Ferishte, pezeshti, Nahidsadat. (2013). Reflection of moral themes in Kalila and Demaneh Bahramshahi, Journal of Allegorical Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bushehr Branch, 20
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza, (1350), Imaginations of Persian poetry, Tehran: Nile.
- _____, (1366), The Poet of Mirrors, a study of Indian style and poetry of Bidel Dehlavi, Tehran: Aghaz.
- _____, (1378), (expression and meanings, Tehran: Ferdous.
- Shamisa, siros, (1380) Literary types, Tehran: Ferdous
- _____, (2012), Maani wa Bayan, 9th Ch., Tehran: Ferdous.
- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman, (1376), Al-Itqan fi Ulum Al-Qur'an, translator: Mehdi Haeri Qazvini, proofread by Ibrahim Mohammad Abolfazl, Tehran: Amir Kabir.
- Steuer, Don, (2004), Philosophy of Religious Language, translated by Abolfazl Sajdi, Tehran: Edian Publishing House.
- Tajleel, Jalil, (1365), Manani wa Bayan, Tehran: Academic Jihad Publishing Center.
- Yilmeha, Ahmad Reza, Azdranjad, Hale;, (2016), study of allegory in the two stories of Kalila and Demaneh and Marzbannameh, Chapter of Allegory Research in Persian Language and Literature, year 9, number 34.
- Zangoui, Asadaleh, Shabani Varki, Bakhtiar, Fatuhi, Mohammad, Masoudi, Jahangir, (2009), Metaphor: The concept of theories and its functions in education and training, Ferdowsi University of Mashhad Journal of Educational and Psychological Studies, 11th Volume, Number 1.
- Zarin Kob, Abdul Hossein. (1384) Neither East nor West of Humanity, Tehran: Amir Kabir.